

مهمان سردبیر

شاید مهمترین هدف از انجام یک تحقیق، تولید دانش موثق و قابل اتکا باشد که البته در اثر رویکردی نقادانه و استفاده از روش‌های تحقیق کارآمد و مناسب ظرف و زمینه هر تحقیق حاصل می‌شود. گزاره‌هایی که در هر تحقیق حاصل می‌شوند بایستی به گونه‌ای مستدل باشند که در مقابل گزاره‌های محتمل جایگزین قابلیت دفاع داشته باشند و چنین شرایطی بستگی به رعایت یک سری استانداردها در روش‌های تحقیق دارد.

یکی از مهمترین چالش‌هایی که محققان حوزه سیاست‌گذاری علم و فناوری و سایر رشته‌های مدیریتی با آن مواجه می‌شوند واقع شدن در دوراهی استفاده از رویکردهای کمی یا کیفی برای نیل به دانش‌های قابل اتکا است. دسته‌ای از محققین معتقدند که روش‌های تحقیق کیفی صرفاً چکیده‌ای بیش نبوده و جز با اعداد و ارقام نمی‌توان گزاره‌های موثق ارائه داد. گروهی دیگر از محققین نیز بر این باورند که روش‌های تحقیق کمی صرفاً داده‌هایی را تولید می‌کنند که با ساده‌سازی‌های بسیار به دست آمده و عمق لازم برای استنتاج گزاره‌های موثق را نداشته و از این رو نمی‌توانند عقلانیت را ارتقا ببخشند. در این فضای دو قطبی، باید چند نکته را یادآوری نمود:

نخست اینکه چالش اصلی نه در انتخاب روش کیفی یا کمی، بلکه عدم تلاش برای شناخت مساله و محصور ماندن محققان در یک سری ابزارهای تحقیق است. به عبارت دیگر، پس از استفاده از یک سری ابزارها، احتمال اینکه ذهن محقق بدون شناخت ابعاد مساله متمایل به آن ابزارها گردد بیشتر شده و در نتیجه، راه رسیدن از شناخت مساله به ابزارهای مناسب، برعکس می‌گردد. در این وضعیت محقق عمدتاً تلاش می‌نماید تا مساله را با ابزارهایی که بدانها مسلط است حل نموده و از خلاقیت لازم برای ارائه شیوه‌های دیگر و ابزارهای کارآمدتر باز می‌ماند.

دومین نکته معطوف به ارتباط دادن چارچوب تحقیق به روش‌های تحقیق است. خلائی که امروزه عمدتاً در تحقیقات مرتبط با حوزه سیاست‌گذاری علم و فناوری و رشته‌های مرتبط در فضای آکادمیک کشور مشاهده می‌شود، عدم پررنگ شدن مبادی و اصول روش‌شناسی تحقیق است. این مبادی در حقیقت منبعث از چارچوب نظری تحقیق بوده و به عنوان واسطه، ارتباط بین چارچوب و پارادایم‌های تحقیق را با تکنیک‌ها و ابزارهای تحقیق برقرار می‌نماید.

سومین نکته این است که امروزه عمدتاً ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی برای حل مسائل حوزه سیاست‌گذاری علم و فناوری استفاده می‌شود. اما چالش اصلی در استفاده از روش‌های ترکیبی، تقدم و تاخر رویکردهای کمی و کیفی بر یکدیگر است. در این خصوص لازم است تا ابعاد هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه مساله بطور کامل مورد شناخت و بررسی قرار گیرد. ضمن اینکه بایستی چگونگی ترکیب روش‌های کیفی و کمی در طراحی تحقیق پیش‌بینی شود؛ مساله مهمی که امیدوارم در فرصت‌های بعدی مجال برای پرداختن بیشتر به آن فراهم گردد.

دکتر مهدی مجیدپور

عضو هیات علمی دانشکده مدیریت، علم و فناوری

دانشگاه صنعتی امیرکبیر